



ارانی بذر زرین بر فراز کشوری افشاند

ارانی بذر زرین بر فراز کشوری افشاند. ارانی رفت. بندرش کشتزاری گشت پر حاصل بزندان روح پرتغیان و طیارش، نشد مدفون. بزیر سنگ سرد گور افکارش نشد مدفون ارانی در سرود و در سخن، بگشود راه خود کتون در هر سوئی پرچم گشاید با سیاه خود بمرد از یک شقایق زیر پای وحش نامیون شقایق زار شد ایران برغم ترسها، شکها در آمد عصر رستاخیز مردم، قهرمان خیزد. از این خاکی که پرورده است مزدکها و بابکها

بر این خاکی که ایرانست نامش بازنگ انسانی دمی پیش نهیب شوم اهریمن نشد خامش در این کشور اگر جبارها بودند مردمکش از آنها بیشتر: گردان انسان دوست جنبیدند به ناخن خاره بیداد را بی باک سنبیدند فروزان مشعل اندر دست، آوای طب بر لب بسز هائی یورش بردند کش بنیان بدروزخ بود به موج خون فرورفتند، لیکن فوج بی باکان نترسید از بد زشتان، نیچید از ره باکان

ارانی گفت: «درسطی که آن جنبنده تاریخ است مشو زان قطره ها کاندز لجن ها بر کران مانند بشو ز امواج جوشانی که دائم در میان مانند.»

سخن ارانی

هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود باندازه سوسیالیسم و کمونسم راجع به آن کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته باشد.

قانون اساسی فعلی ایران محصول یک انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله دمیده بود.

آیا غرض قانون اساسی از آزادی عقائد همین فدفن کردن کلیه عقائد بوده و آن خونها برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

ماهی نامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

در باره انتخابات و مبارزه انتخاباتی

توطئه انتخاباتی جدیدی تدارک میشود - در باره آئین نامه جدید انتخابات - اعتراف شاه در کتاب «انقلاب سفید» درباره سیستم پارلمانی ایران اصلاح در قانون انتخابات ضرور است. وظایف نیروهای ملی و دموکراتیک در قبال انتخابات آئینده.

توطئه انتخاباتی جدیدی تدارک میشود - دوره انتخاباتی چهار ساله و بیست و یکمین دوره مجلس شورای در سال ۱۳۴۶ که بزودی فرا میرسد پایان خواهد یافت گرچه هنوز فرمان انتخابات جدید صادر نشده ولی از هم اکنون دسته بندیهای انتخاباتی و مقدمات صحنه سازی انتخابات آغاز گردیده است. از روی طلوعه انتخابات میتوان با یقین گفت که شاه و حکومت او میخواهند بازی «انتخابات آزاد» و «حزبی» گذشته را با آب و رنگ تازه ای تکرار کنند و طبق آئین نامه جدید و «اصلاحاتی» که در قانون انتخابات بعمل آورده اند نمایندگان «آزاد مردان و آزاد زنان» را در یک مجلس «حزبی» برای مدت چهار سال بکرسی نمایندگی بنشانند. روزنامه ها از آغاز «مبارزه» انتخاباتی بین دو حزب «مردم» و «ایران نوین» و از گشایش شب آنها در شهرستانها و دهستانها و کوشش نمایندگان «مستقل» برای ورود بیکی از این دو حزب و تأمین کرسی خود در دوره آئینده و همچنین از تاسیس حزب سومی مرکب از بعضی «روشنفکران» و «ترقیخواهان» خبر میدهند. بهر حال توطئه انتخاباتی که هدف آن نقض بدیهی ترین حقوق ملی مابعد حق انتخاب و جاس بقیه دصنمه ۷

فتنه انگیزی بنام «انقلاب فرهنگی»

و برکناری جمعی از بنیان حزب و ارتش و ضرب و شتم و مسخ و قتل گروهی از رهبران و فعالین حزبی همراه با قیام بسیاری از سازمانهای حزبی و کارگران یک سلسله از شهرهای بزرگ چین منجر گردید. در جریان این مرحله تلخیرغم تلاشهای گروه ماو - لین بیائو مخالفت با اندیشه های «پیشوای کبیر» در حزب و سازمان های اتحادیه ها و سازمانهای جوانان و حتی در ارتش روز بروز شدت بیشتری بخود گرفت. به پایه های کیش شخصیت ماوتسه دون ضربات درم شکن وارد آمد. شعارهای ضد شخص ماوتسه دون حتی در شهر پکن از میان توده تظاهر کنندگان برخاست و بزمنه پلاکاتها و برخی روزنامه های دیواری نقش گردید.

بقیه در صفحه ۸

در همانحال که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت باگامهای استوار به پنجاهمین سالروز فرخنده خود نزدیک میشود و احزاب مارکسیست - لنینیست با اتفاق تمام مردم ترقیخواه جهان برای برگزاری شکوهمند این روز بزرگ تاریخی تدارک میبینند، در جمهوری توده ای چین گروه بندی ماوتسه دون - لین بیائو ابتداء «انقلاب کبیر فرهنگی» خود را با شدتی بیش از پیش بر جهانیان آشکار میسازند. بنیان «انقلاب فرهنگی» ماوتسه دون کار ابتداء این «انقلاب» را بجائی رسانده اند که اکنون حتی دو آتشه ترین سر سپردگان پکن نیز از اعتراف آشکار به پیوند خود با آنان انکار دارند و حالا مجبورند برای ادامه فعالیت مخرب اشاعیگرانه خود در داخل و خارج احزاب مارکسیست - لنینیست شیوه های استتار شده جدیدی را بیازمایند.

مرحله اول «انقلاب فرهنگی»

فهرستی «محتوی آن»

مرحله اول «انقلاب فرهنگی» در سال ۱۹۶۶ در اثر شکستهای جدی مشی عمومی طرفداران ماوتسه دون در زمینه سیاست داخلی و خارجی و بروز اختلافات شدید درون رهبری حزب کمونیست چین پس از بلنوم یازدهم حزب تحت عنوان مبارزه با مشی ارتجاعی بورژوازی، در داخل حزب و کشور پربا شد و سپس به دستگیری عده ای از رهبران حزب و دولت

هیئت تحریریه «مردم» بمناسبت

روز ۱۴ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی رهبر فقید زحمتکشان ایران، روز شهیدان جنبش توده ای بخاطره تابناک همه شهیدان راه آزادی درود میفرستد.

مسئله خلیج فارس

در میان خود شیخ نشین های این منطقه نیز اختلافات جدی وجود دارد. همانطور که در مورد فدراسیون شیخ نشین های عربستان جنوبی پیش آمد و از ۲۰ شیخ نشین آن ناحیه فقط ۱۶ شیخ نشین حاضر به تشکیل فدراسیون شدند، در ساحل شرقی شبه جزیره نیز همه شیخ نشین ها حاضر با ایجاد فدراسیون تحت نظارت ملک فیصل نیستند. چنانکه چندماه پیش شیخ شخبوط که با عربستان سعودی بعثت ادعا های ارضی طرفین سرخوست دارد و بهیچوجه حاضر نبود زیرا بار وحدت با عربستان سعودی برود، با کودتائی از امارت معزول شد و برادرش شیخ زاید که تازه از انگلستان بازگشته بود، جای وی را گرفت.

میان ایران و کویت و عربستان سعودی و عراق اختلافات دیگری نیز برسر منابع نفتی آب های خلیج فارس وجود دارد. ولی کوشش های این کشورها برای تعیین مرز های زیر دریائی هر یک از این کشورها تاکنون به نتیجه نرسیده است.

تمام این تضادها و اختلافات حل مسئله وحدت شیخ نشین ها را با مشکلات و دشواریهای روزرو میسازد. باینجهت در راه ایجاد فدراسیون شیخ نشین ها تاکنون گام مشخص عملی برداشته نشده است.

از آنچه که گذشت مسئله خلیج فارس بخوبی دیده میشود که نه خلیج فارس از طرف انگلستان تخلیه میشود و نه خطر استعمار مصر، شیخ نشین ها را تهدید میکند و میان مردم ایران و مردم مصر تضاد شیخ نشین های خلیج فارس وجود ندارد. اگر اختلافی وجود دارد، اختلاف میان دولت ایران و عربستان سعودی بر سر تسلط بر شیخ نشین ها و تعیین مرز های غربائی منابع نفتی هر کشور است. در اینجا تضاد واقعی، تضاد میان نهضت آزادیبخش ملی عربی و رژیم های ارتجاعی طرفدارامپریالیسم در ایران و عربستان سعودی است. و این خود انعکاسی است از تضاد میان نهضت های آزادیبخش ملی و امپریالیسم.

دولت ایران از نزدیک شدن شعله مبارزات آزادیبخش ملل عربی بخلیج فارس که هر ساله هزاران ایرانی و عرب برای کار و کسب معاش در سواحل آن رفت و آمد میکنند، در هراس است. دولت ایران برای جلوگیری از تأثیر این نهضت در صدور ایجاد حرم امنیتی از زنجیره شیخ نشین های ساحلی خلیج فارس میباشد و برای اینکار نیروهای نظامی ایران را در خلیج فارس تقویت میکند و برای تقویت این نیروها هم بوم خارجی متوسل میگردد.

دولت انگلستان نیز که خود بعثت مشکلات مالی فراوان میکوشد بخشی از بار هزینه های استعماری خود را بدوش رژیم های ارتجاعی محلی بیاندازد.

درگذشت باغچه بان

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم که اخیراً آقای جبار باغچه بان یکی از آموزگاران کهنسال و از خدمتگزاران فرهنگ ایران درگذشته است. باغچه بان نخستین بانی کودکستان (یا باصطلاح آن دوران «باغچه اطفال») در شهر تبریز است. پس از انتقال از تبریز به شیراز باغچه بان در این شهر نیز اولین کودکستان این شهر را دائر ساخت. باغچه بان بعدها به تهران آمد و در اینجا فعالیت پرثمر خود را برای ایجاد نخستین «دبستان کرب و لاله»، ارائه «شوه نوین تدریس الفبائی فارسی» آغاز کرد. باغچه بان پیوسته دارای افکار مترقی بود و در دوران اوج نهضت ملی شادروان باغچه بان با سازمانهایی مانند «جمعیت حمایت از کودک» و «جمعیت مبارزه با بیسوادی، همکاری داشته است. جمعیتهای و آزادیخواهی باغچه بان نام ویرا در نزد همه میهن پرستان ایرانی ارجحیت میسازد. به خاطر آن آموزگار آزادیخواه درود میفرستیم و بازماندگانش را تسلیت میکنیم.

مردم

تحریر برای پوشاندن يك سیاست ضد ملی

امنیت کنیم. «اطلاعات «قلعه نظامی» را به «جزیره با ثبات» تبدیل کرده است. خبرنگار ا کونومیست میگوید که وی در واشنگتن سندی را، که بطور خصوصی بخش شده، دیده است که بموجب آن قرارداد مشابه پیروزی ایران توصیف شده... «این گزارش تا چه حد صحت دارد؟ آیا این قرارداد از نوع همان معاملات تجارتهی بسبک قدیم نیست؟»

اطلاعات کلمه «بطور خصوصی» و سؤال اخیر را بکلی حذف کرده است. بهمین جهت فقط وقتی پاسخ شاه را چنین نقل میکند: «هر دو بوده است... معلوم میشود که سؤال دیگری هم بوده. و اما شاه در پاسخ خود میگوید: «... عامل مهم سیاسی در قرارداد اینست که ایران کشور با ثباتی است، يك قلعه نظامی است، بازاری است که وسعت مییابد و ما دوست هستیم.» اطلاعات «يك قلعه نظامی است» و «ما دوست هستیم» را در ترجمه خود حذف کرده است.

تحریر برای پوشاندن يك سیاست ضد ملی

وقتی شاه میگوید که ایران تنها کشور خاور میانه است که ثبات آن برای شرکتهای نفتی تضمین شده، که ایران قلعه نظامی است و بودجه نظامی آن هم دائماً افزایش مییابد و اینهمه برای آنستکه کسرسیموم هم احساس امنیت کند، وقتیکه شاه تصدیق میکند که «پیروزی» اخیر از همان معاملات تجارتهی معمولی است و میافزاید که «ما دوست هستیم»، همه اینها اعترافی است بر اینکه ایران کشوری است وابسته به امپریالیستها و به شرکتهای نفتی. بعنوان مهمترین پایگاه آنها در ایران، که رژیم شاه همه وسائل را از افزایش بودجه نظامی بزبان بودجه عمرانی و تبدیل ایران به قلعه نظامی گرفته تا سر کوب مردم و استقرار ترور پلیسی بکار میرسد تا شرکتهای نفتی بی درد سر بغارت خود مشغول باشند، و در مقابل هم البته تقاضا دارد از این خوان نیغا پول بیشتری باو بدهند تا بتواند ادامه غارت را تأمین کند. ماهیت آن «استقلالی» که شاه از آن دم میزند و سر و صدا در باره «پیروزی» در نفت در اینجا بخوبی آشکار است.

تحریر برای آن انجام گرفته است که این سیاست ضد ملی پوشانده شود و یا حد اقل آشکارا بچشم نخورد. ولی برای مردم ایران و آنها که بحق بایق امور آگاهند حتی با تحریر اطلاعات هم میتوان از زبان خود شاه و خبرنگار «دوست» او این وابستگی و این سیاست ضد ملی را تشخیص داد. اطلاعات هم نخستین بار نیست که دست به تحریر میزند. این شوه برای اطلاعات و همه جراید درباری «عادی» شده است. دلیل آنهم اینست که سیاه را سفید نشان دادن فقط با تحریر، با دروغ و با «چشم بندی» امکان پذیر است. م. انوشه

هفته نامه ا کونومیست چاپ لندن در شماره ۱۴ - ۲۰ ژانویه ۱۹۶۷ مصاحبه خبرنگار خود را با شاه (هنگام اقامت شاه در وین) منتشر کرده که ترجمه آن در شماره ۲۵ دیماه ۱۳۴۵ روزنامه اطلاعات انتشار یافته است. خود این مصاحبه (که در باره موافقتنامه اخیر ایران و کسرسیموم است) و همچنین نحوه ترجمه آن از چند نظر جالب است. نخست آنکه در ترجمه تحریر شده.

دوم اینکه چرا این تحریر صورت گرفته. سوم اینکه با توجه به اصل و علیرغم تحریر اعتراضاتی در باره ماهیت ضد ملی سیاست شاه از زبان خود او شنیده میشود.

موارد تحریر

خبرنگار ا کونومیست پاسخ شاه را در مورد ارزیابی موافقتنامه چنین نقل میکند: «نکته مهم در مذاکرات ایران و کسرسیموم توافق در باره چند مسئله اساسی بود. اول اینکه با افزایش تولید مخارج تولید شرکتهای نفتی تقلیل مییابد.» ولی وقتی خبرنگار میگوید: «این مسئله در تمام کشورها صادق است.» شاه پاسخ میدهد: «بلی.

اما مسئله دوم اینست که شرکتهای نفتی میزان تولید خود را در تنها کشوری از خاور میانه بالا میرند که ثبات آن برایشان تضمین شده است. نفع آنها هم در این است. آنها هم اینرا قبول کرده اند.» اطلاعات قسمت اخیر را چنین ترجمه کرده است: «بلی. اما مسئله دوم اینست که کمپانیهای نفتی فقط در آن دسته از کشور های خاور میانه که ثبات آنها تضمین شده تولید را افزایش میدهند. نفع آنها هم در اینست.» بدینسان اطلاعات «تنها کشور» را به «آندسته از کشورها» و «ثبات آن برایشان تضمین شده (یعنی برای شرکتهای نفتی)» را به «ثبات آنها تضمین شده» (برای کمی معلوم نیست) تبدیل کرده است.

شاه به خبرنگار ا کونومیست میگوید: «ما قلعه نظامی (باستون) این منطقه هستیم. شما (انگلیسیها) در حال خارج شدن از خلیج هستید. بودجه نظامی ما ۲۰ درصد افزایش یافته است. ما باید این حقیقت را قبول کنیم که بودجه نظامی ما همچنان بهمین میزان افزایش خواهد یافت... هدفهای ما فقط دفاعی است. ما ترجیح میدهم این مبالغ را صرف امور عمرانی کنیم. ولی با این ترتیب حد اقل کسرسیموم و خود ما میتوانیم احساس

بطور کلی منافع ایران در خلیج فارس در آن جهت نیست که هیئت حاکمه امروز در آن کم نهاده است. منافع ملی ایران با منافع امپریالیسم و انحصار های نفتی هماهنگی ندارد و ایران نباید منافع خود را با منافع امپریالیستها، و انحصارها درآمیزد. ولی رژیم کنونی برخلاف منافع ملی و مصالح اجتماعی ایران گام بر میدارد و ایران را به گردونه سیاست های استعماری دول امپریالیستی مقید ساخته است.

مسعود

با تقویت مواضع دولت ایران در خلیج فارس بهزین خود دولت ایران کاملاً موافق است. شاه از انگلستان تقاضا میکند تا از خلیج فارس خارج نشوند، در عین حال دنیس هیلی وزیر دفاع انگلستان بعثت مشکلات ارزی کشور خود تهدید میکند که اگر در این راه کمکی بانگلستان نشود انگلستان ناگزیر است بخاطر اجرای برنامه صرفه جوئی خود از تمهیدات خود در خاورمیانه بکاهد. در اینجاست که شاه به پیشواز انگلستان میروود و برای کمک به سیاست استعماری انگلستان در خلیج فارس به همراه ملک فیصل به تقویت نیرو های نظامی خود در این منطقه میپردازد. روزنامه اطلاعات در تفسیر اظهارات دنیس هیلی مینویسد: «بدین ترتیب تردیدی نیست که دولت کارگری انگلیس در ماههای آینده شروع به پیاده کردن طرح تقلیل تمهیدات خارجی خود خواهد کرد... در این میان ایران و عربستان سعودی نیز با پیش بینی روزهای بحرانی آینده دست بیک سلسله اقدامات احتیاطی زدند... ایران و عربستان سعودی تاکنون گلهای مؤثری در جهت دفاع از خلیج فارس برداشته اند و موقعیت دفاعی خود را نسبت بگذشته بسیار استحکام بخشیده اند.»

بدینهمه است که مردم ایران در خلیج فارس وظائف و منافع معینی دارند. وظیفه عمده ایران در این منطقه که در عین حال از منافع حیاتی آن ناشی میشود عبارتست از کمک به نهضت ضد استعماری مردم این منطقه. پشتیبانی مردم ایران از نهضت آزادیبخش ساکنین شیخ نشین ها همانند پشتیبانی از تمام نهضت های آزادیبخش دیگر، از لحاظ مضمون خود مبارزهای است ضد امپریالیستی و به نفع آزادی و استقلال ایران. بنابر این منافع واقعی مردم ایران در این منطقه در نقطه مقابل اقدامات محافل حاکمه ایران قرار دارد.

ایران برای تأمین حقوق قانونی خود در نفت و بهره برداری از منافع نفتی خود باید با کشورهای صاحب نفت خلیج فارس و سایر کشور های نفتی برپایه مبارزه با انحصارات نفتی روابط نزدیک و همکاری صمیمانه برقرار سازد.

ایران در زمینه تعیین مرزهای زیر آبی کشور (فلات قاره) و تثبیت حقوق حقه خود برپایه موازین حقوق بین المللی باید بدون دخالت کشور های امپریالیستی با همسایگان خود وارد مذاکره شود و بر اساس منافع متقابل و حق حاکمیت ملی اختلافات موجود را برطرف سازد.

ایران از نظر مناسبات اقتصادی و روابط بازرگانی خود با کشور های همسایه و از جمله با شیخ نشین های سواحل خلیج فارس دارای منافع معینی است که باید برپایه تساوی حقوق و مصالح اقتصادی کشور در تأمین آنها بکوشد.

هزاران نفر از ایرانیان ساکن سواحل جنوبی ایران در پی کار و در تلاش معاش بعثت نبودن قوانین و مقررات لازم بطور قاجاق بیشع نشین ها مسافرت میکنند و در آنجا بعثت قانونی نبودن مسافرت و اقامت دچار پریشانی میگرددند و یا در راه در اثر حوادث و سهل انگاری ناخدایان و دلالان بهلاکت میرسند. دولت ایران برای سروسامان دادن بوضع این عده از مردم ایران باید اقدامات لازم بعمل آورد.

خلاصه آنکه هیچکس مخالف آن نیست که منافع واقعی ایران در این منطقه از طرق معقول حفظ شود. البته برخی محافل در کشور های عربی گاه دعاوی نادرستی در مورد خوزستان و خلیج فارس مطرح میکنند که هیچ میهن پرست ایرانی هرگز نمیتواند به آن سرسازگاری داشته باشد. ولی راه مبارزه با این تمایلات نادرست تکیه بامپریالیسم، آلت دست وی قرار گرفتن، بمقابله با جنبش ملی مترقی عرب نشانتان و برپا کردن فتنه و فساد بین ایرانی و عرب نیست، بلکه راه آن اتخاذ سیاست مدیریتانه، دوستی با جنبش ملی عرب، حل مسائل از طریق مذاکره و مسالمت آمیز است.

رژیم و معضل جوانان

را در شیوه های نادرست پرورش خانوادگی میجوید و از آنجمله مینویسد: «ما نهالهای سرزمین غمیم. از آن موقع که چشم باز میکنیم و دست راست و چپمان را میشناسیم با غم و آنچه غم انگیز است رووبرو هستیم»

اصلا خانواده های ایرانی غم پرستند و محیط خانه های ما کانون دلگیری حزن هاست. از کودکی سمی میکنند با روش های گوناگون از چشمهای ما اشک جاری کنند و غم و غصه را بقلب و روح ما سرازیر سازند. روحیه ما از بچگی خمود و مجزون بار آمده و این حساسیت جبلی و خطرناک که در فرد فرد ماست حاصل این طرز پرورش است. آنها که نیازهای روحی ما را محکوم میکنند بهتر است بجای این انتقادات و خرده گیریها بما راه چاره نشان دهند.

جوان کارگری از آبادان مینویسد: «ما با فقر محرومیت، ترس از بیکاری و عذابهای روحی رووبرو هستیم. اینجا صحبت از نان است. ما هنوز نتوانسته ایم معنای این اولین نیاز زندگی را حل کنیم. اکثریت قریب باتفاق جوانان نه تنها راترا از تویست تشخیص نمیدهند بلکه اصولا گرام و رادپوئی ندارند تا آهنگ های ملی و بومی ما را از بلندگو های آن بشنوند. اینجا یک زندگی سیاه حاکم است. شما چرا پاکبویی؟ نورچشمان، خود را بلی همه جوانان میگذارد؛ چرا اعمال سیاه آنها را در دفتر پاک زندگی ما مینویسید...»

و جوان کارگر دیگری مینویسد: «ما را به بی هدفی، سرگردانی، بی بند و باری و خود خواهی متهم میکنند. اگر منظور آن گروه معدود جوانان طبقات مرفه اجتماعی است من حرفی ندارم ولی اگر حمله شما متوجه من و میلیونها مانند من است بسا این عربده جویها فقط خود را خسته میکنند. من کارگرم. ساعت کار من طلوع آفتاب تا غروب آفتابست. دستمزد من آنقدر ناچیز است که با آن حتی یک سینما هم نمیتوانم بروم. من آرزو دارم زندگی متوسطی داشته، خانواده ای تشکیل بدهم و فرد مقیدی برای میهن و هم میهنانم باشم. ولی در محیط ایران این آرزو چقدر دور و آسانه امیز بنظر میرسد. آن جوان عاصی و پرخشکری که از آن یاد میکنید من هستم. من برای تغییر این نظام که مرا ببرد کشیدن دائمی محکوم نموده است بمبارزه برخاسته ام»

رژیم ایران و مسئله جوانان

شاه پرخشکگری جوانان را بنظام کنونی «عصیان، شتاب، مخواند، رژیم او برای سرکوب این عصیان دارو های گوناگون تجویز میکند. فیلم های فساد انگیز، کتابها و مجلات جنائی و شهوانی کانونهای قمار، میخانه های بی شمار، مراکز تن فروشی، تریاک، هروئین، زندان...»

استشابه بسیار اگر گفته شود تمام اعمال رژیم در آن جهت نیست میکند تا نسل جوان ایران را از حرکت باز دارد. حس نو جوئی و نو پرستی را در آنان خورده کند. اندیشه آنان را بزنجیر کشد. جوان ایرانی در هر گام خود با موازی رووبروست. او تا خانواده خود را بپاکستر فقر نشانند نمیتواند بلند شود و تا سر خم نکند نمیتواند ترقی نماید. مقامات دولتی ایران از ابراز این حقیقت که «جوانان تحصیل کرده احتیاج ندارند، خودداری نمیکند آنها در حالیکه هنوز وسایل تحصیل برای تمام کودکانیکه بسن تحصیل میرسند فراهم نموده اند یا جسارت این فکر را تبلیغ میکنند که اول باید «بیسوادی را ریشه کن نمود بعد دنبال دیپلم و لیسانس رفت»

رژیم در حالیکه در های مدارس و دانشگاه را پروری جوانان بسته در های زندان و سرباز خانه رابروی آنها گشوده است.

هر سال در چند نوبت مامورین تجسس اداره نظام وظیفه در تهران و شهرستانها بشکار جوانان میپردازند. آنها بشیوه سربازان هیتلری که ناکهان خیابانها را اسود میگردند به بازرسی عابرین میبرداختند

تلاش وسیع دربار و دولت را که برای جلب آنها بکار میبرد خبثی نمودند. آنها در مقابل اعمال قهر ایستادگی نمودند و شیوه های نیرنگ را که رژیم برای قریب آنها بکار می بست بی اثر ساختند. تلاش رژیم برای «تخدیر»، «هدایت» و «رهبری» جوانان بی نتیجه ماند. بودند جوانانی که در دام، افتادند ولی تعداد آنها زیاد نبود. سپاه عظیم جوانان به آرمانهای مقدس خلق وفادار ماند. شعله فروزان نبرد را نگاهداشت و پرچم خوئینی را که نسل های گذشته بلو داده بود حفظ کرد و بدشمن نسپرد.

تاریخ ۲۵ سال اخیر ایران را ورق بزنید. کجا جوانان در صف اول بیکار نبوده اند؟ کدام گوشه از خاک میهن ما بخون پاک آنان رنگین نشده است؟ در آذربایجان، کردستان، خراسان، خوزستان و در کدام یک از حوادث تاریخی سینه پرشور آنان آماج گلوله قرار نگرفته است در حوادث سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵، در فاجعه ۲۲ تیر ۱۳۳۰، در جریان کشتار هشتم فروردین ۱۳۳۱، در قیام سوم تیر ۱۳۳۱ یا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؟

رژیم شاه هر بار که نهضت مردم ایران اوج گرفته آنرا وحشیانه سرکوب کرده است. او هرگاه مقاومت در مقابل خود احساس نموده خون بهترین جوانان ما را جاری ساخته است. ولی این خون ریزنها هیچگاه رژیم کمالت نکرده است. این مبارزه هرگز متوقف نگردیده است. هم اکنون در داخل و خارج از ایران مبارزه جوانان با پیگیری قابل تحسینی ادامه دارد. بخصوص در سالهای اخیر جوانان خارج از ایران یا برخورداری از امکانات وسیعی که در اختیار دارند آتش این مبارزه را شدیدتر نموده اند.

این آتش خاموش نشده است و نباید خاموش شود زیرا آرمانهای درخشان جوانان انقلابی ایران را بناید با اقدامات تنگ دامنه دولت قیاس کرد، شمله های سرکش این آتش است که ما را گرم میکند. شمله های فروزان این آتش است که دشمنان ایران را متوحش میسازد.

حزب ما و جوانان

فعالیت حزب ما برای بیداری جوانان، کمالت آنها، تجویز و بسیج این نیروی عظیم در راه آزادی و استقلال ایران از اصول درخشان فعالیت اوست. حزب ما در دامن خود جوانان پر شور پروراند که با فداکاری، پایداری و پیگیری خویش چراغ نهضت و مبارزه را فروزان نگاهداشته اند. حزب ما که در دورانهای دشوار مبارزه، میهن پرستی عمیق خود را در عرصه کردار بشیوه رسانده، ایمان بیکران خود را به مصالح حیاتی مردم ایران، استقلال، آزادی و ترقی کشور نشان داده همیشه حزب محبوب جوانان و مرکز تجمع بهترین و پیشرو ترین آنها بوده است.

حزب ما از آغاز تأسیس خود بسا تشکیلات سازمان جوانان حزب توده ایران، بیک دانشگاه بزرگ جوانان تبدیل شد. بعدها با وجود آمدن کانون جوانان دموکرات زبرهبری حزب توده ایران، حزب ما نتوانست اندیشه های استقلال طلبانه و بشر دوستانه خود را برب قشر های مختلف جوانان در شهر و ده رسوخ دهد. حزب ما ایران و قدرتهای حاکم در آنرا بجوانان شناساند. عشق ب مردم و میهن را در آنها تقویت کرد. روح سلحشوری، مقاومت و پایداری در آنها دمید و عامل ایجاد یک رستاخیز عظیم روحی و معنوی در ایران شد. حزب ما با ترویج جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و مشی حزب به بسیج فکری جوانان پرداخت. بانها آموخت که جز بسا مبارزه به هیچ چیز نمیتوان رسید. بدون کوشش و فداکاری سیمای جامعه را نمیتوان تغییر داد. بدون مبارزه به ناهنجاریها و نابسامانیهای نسل جوان نمیتوان پایان داد. حزب ما با روحیه های درویشانه، تسلیم جدائی از مردم و تکروری در جوانان مبارزه نمود و آنها را بعیدان نبرد شدید طبقاتی با دشمنان مردم ایران کشاند.

در طول ۲۵ سال مبارزه حزب ما بهترین فرزندان خود را در راه آزادی و استقلال ایران از دست داد. در این مدت بسیاری از جوانان تودمائی برندان افتادند. بسیاری از آنها در جریان مبارزه شهید شدند و گروهی از آنان قهرمانانه بیای جوبه های اعدام رفتند. هم اکنون بسیاری از جوانان عضو حزب توده ایران در زندانها اسیرند آنها مصائب زندان را با سربلندی

و روح مقاومت، قهرمانانه تحمل میکنند. حزب ما به جوانان و مبارزه پرشور آنها بادیده تحسین مینگرد. ما با این عقیده موافق نیستیم که جوانان ما از نبرد خسته شده اند، راه دشوار مبارزه آنها را ترسانده و به بیراهه کشانده است. نادرست است که گفته میشود جوانان ما جملگی سرگردان و بی هدفند. به لذتهای جسمی و روحی بیشتر توجه دارند. آنها که جوانان ما را متهم میکنند صدای پرشکوه نبرد آنها را نمیشنوند، صلابت آنها نمی بینند. حزب ما ایمان راسخ دارد که نسل جوان ایران پرچم خونین مبارزه را که بدستهای توانای او سپرده شده هرگز زمین نخواهد گذاشت. در مقابل زور و نیرنگ تسلیم نخواهد شد. به آرمانهای خلفای ایران وفادار خواهد ماند و این نبرد را تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داد. نسل نخواستار ایران نباید آینده ایران را بسازد. این نسل باید نیازهای ملتش را پاسخگو باشد. برای یک زندگی پرشکوه بر سرزمین ایران عزیز، سرشار از غرور، فداکاری، راحتی و خوشبختی کوشش نماید.

راه مبارزه راهی خراگین و دشوار است. در این راه سختی هست. ولی این سختیها نباید ما را بهرساند. این مهم نیست که در فراز و نشیب این راه چه پیش خواهد آمد. مهم این نیست که آرزو ها و هستی بسیاری از ما در این راه فدا خواهد شد. مهم اینست که مردم ما بتوانند روی سر زمین مادری خویش آزاد، نیکیبخت و نیرومند زندگی کنند.

برای پایان دادن به مصائب و نابسامانیهای نسل جوان، برای رهائی ایران و مردم درد کشیده آن باید رنج این راه را تحمل کرد.

نسل جوان ایران باید خود را شایسته آن وظیفه تاریخی نشان دهد که در قبال نهضت رهائی بخش مردم ایران بر عهده گرفته است.

۱. فروزان

قیه از صفحه ۷

در باره انتخابات و مبارزه انتخاباتی

آکنون مردم ایران، احزاب و جمعیت های ملی و دموکراتیک، در قبال انتخابات آینده میخواهد برای چهار سال دیگر مجلس دستوری بسا

صحنه سازی یک انتخابات، آزاد، بدانها تحویل کند و مشغول تهیه مقدمات آن است. بدون تردید برای هر جمعیت و فردی که علاقه ای با آزادی و استقلال ایران دارد این سؤال مطرح میشود که چه باید کرد؟ بعقیده ما وظیفه تمام آنها در درجه اول این است که زیر پرچم مبارزه برای آزادی انتخابات و افشای فساد و دروغ مانور های انتخاباتی شاهانه گرد آیند و با تمام وسائل ممکن مردم را بمبارزه بکشانند. بخصوص این مبارزه در خارج از کشور میتواند بعلت امکانات بیشتری که وجود دارد، ثمربخش تر باشد. باید ب مردم جهان دروغ بودن ادعا های پرچ شاه را که مدعی است در ایران حکومت دموکراسی و انتخابات آزاد وجود دارد، ثابت نمود. در چنین مبارزه ای هیچگونه اختلاف بین احزاب و جمعیت های ملی وجود ندارد، همه آنها میتوانند برای منظور فوق متحدا اقدام کنند. مبارزات خود را هماهنگ نمایند و بسا اخذ تماس و اجتناب از بحث در مسائل دیگری که باین مبارزه خلل وارد میآورد در مبارزه و نوع اقداماتی را که میتوان بعمل آورد تعیین نمایند. اتحاد و مبارزه برای آزادی انتخابات و بمنظور افشاکری وظیفه ایست که در حال حاضر بعهده داریم. در انجام این وظیفه ما آمادگی خود را برای همکاری و هر گونه فعالیت مشترک بسایر نیرو های ملی اعلام میداریم. بعقیده ما مبارزه مشترک همه نیروها اگر چه در شرایط سختی انجام میگردد مع الوصف میتواند نقاب دموکراسی را از چهره شاه بر گیرد و قیافه واقعی او و حکومتش را بنمایاند.

۱. گویا

فدراسیون سندیکائی ویت نام پرده از تبه کاریهای مخوف امپریالیستهای امریکا و مزدورانش در ویتنام بر میدارد

امپریالیستهای امریکا و چاکران و مزدوران آنها نه فقط با سرکوب جنبش رهایی بخش مردم ویتنام مرتکب فجیع ترین جنایات نسبت به حقوق انسانی و ملی میشوند بلکه برای پیش بردن مقاصد شوم خود دست به عملیات قساوتکارانه ای میزنند که در تاریخ معاصر نظایر کمی داشته است. امپریالیستهای امریکا برای مستور ساختن این تبه کاریها و متهم کردن ارتش رهایی بخش تبلیغات اندکی براه نمانداخته اند. بیانه زیرین فدراسیون سندیکائی ویتنام در باره جنایات وحشیانه ای که امپریالیستهای امریکا و مزدوران «پاک یونگ هی» (کره جنوبی) علیه ویتنامیهای در دو بخش «سون تین» و «بین سون» واقع در ایالت «کوانگ ناگائی» در ویتنام جنوبی مرتکب شده اند چهره ددمنش امپریالیسم را افشاء میکند. ما متن این بیانه را برای آگاهی خوانندگان خود چاپ میکنیم و بنوبه خود بانگ خشمناک پرخاش و اعتراض را برضد این ددمنشی بر میداریم و از مردم ایران میخواهیم که در این اعتراض با ما هماوایی کنند. «مردم»

امپریالیستهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» بمنظور سرکوب شکستهای سنگینی که در راه اجرای نقشه «تحمیل مذاکره» و «سرکوب جنبش» متحمل شده اند اینک متجاوز از یکماه است نیروهای خویش را برای پاک کردن بخشهای «سون تین» و «بین سون» واقع در استان «کوانگ ناگائی» (ویتنام جنوبی) وارد یک سلسله عملیات قساوتکارانه نموده اند و در این جریان دست بقتل عام مردم، نهب و انهدام روستاهای بیشمار زده اند.

در جریان این عملیات باصطلاح «پاک کردن» نیروهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» (کره جنوبی) بشیوههای جنکی و اشکال قتل عامی که بویژه بسیار ددمنشانه است متوسل شده اند. آنها اهالی را در منازل خویش زندانی کرده بضرط گلوله یا نارنجک بقتل رسانده اند و آنگاه برای از بین بردن اجساد و تبدیل آن به خاکستر خانه ها را طعمه آتش ساخته اند. آنها بروی دهقانانی که در مزارع بکار مشغول بودند و یا در جادهها حرکت میکردند و همچنین بکودگانی که سرگرم تفریح و یا در کلاس مشغول تحصیل بوده اند تراندازی کردند. غالب قربانیان تیره روز، زنان، کودکان و دهقانان هستند. تعداد بیشماری از خانوادهها تماماً کشتار شده اند. عمل وحشیانه تر آنکه زنان، بچران، کودکان را در بناگاهها زندانی ساختند و بروی آنها نارنجکهای گاز سمی پرتاب کردند که موجب استفراغهای خونی، بیرون آمدن چشم از حلقه و مرگ فوری شده است. آنها بزنان و دختران نو سال چندان تجاوز میکنند تا بمرگ آنها

گوانتنامه را

قطعه معروف گوانتنامه را ساخته شاعر، متفکر و نویسنده انقلابی و قهرمان معروف کوبائی خوزه مارتی است که در سال ۱۸۹۵ سرود شده است. خوزه مارتی از هفده سالگی وارد جنبش انقلابی شد و در اثر این فعالیت از کوبا تبعید گردید. سالیان دراز در مهاجرت و از آنجمله دوازده سال در شهر نیویورک بسر برد. در ۴۲ سالگی به کوبا بازگشت و در نبرد برضد امپریالیسم شرکت جست و هم در این نبرد کشته شد. خوزه مارتی قطعه گوانتنامه را که معروفیت جهانی دارد در آستان مرگ سروده است:

آزاده ای هستم از دیار نخلها
پیش از مرگ خواستم تا منظومه روان خود را
با همه کس تقسیم کنم.
شعرم گاه سبز ملایم است
و گاه ارغوانی شعله ور،
مانند آهوی زخمی است
که به بیسه انبوه پناه میبرد.
می خواهم سر نوشت خویش را
با همه بینویان جهان تقسیم کنم.
من جویرهای کوهستانی را بیشتر دوست دارم
تا دریای غران پهناور را.

ادا کرده اند.

فدراسیون سندیکائی ویتنام خشم شدید خود را از جنایات وحشیانه ای که توسط راهزنیهای امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» علیه مردم «سون تین» و «بین سون» و سرزمینهای دیگر ویتنام جنوبی اعمال میشود در آستان افکار عمومی جهان ابراز میدارد.

فدراسیون سندیکائی ویتنام بنام طبقه کارگر و سازمان سندیکائی ویت نام اعلامیه فوری منتشره از طرف کمیته جبهه ملی آزادیبخش مرکز «ترونک بو» و بیانه مورخ ۴ - ۱ - ۶۷ وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک ویت نام در باره قتل عام اهالی «سون تین» و «بین سون» توسط راهزنیهای امریکائی و دار و دسته «پاک یونگ هی» را کاملاً تأیید مینماید.

فدراسیون سندیکائی ویت نام از تمام کارگر، سازمانهای سندیکائی و از تمام ملت های شیفته آزادی و عدالت معجلاً خواستار است تدابیر باز هم جدی تری برای متوقف کردن جنک جنایتکارانه امپریالیسم متجاوز امریکا و جلوگیری از عملیات آدم کشی های ددمنشانه راهزنان امریکائی و دست نشاندهگان آنها در ویت نام جنوبی اتخاذ نمایند. طبقه کارگر و سازمان سندیکائی ویتنام بطور جدی اعلام میدارد امپریالیست های امریکائی و چاکران شان باید مسئولیت کامل جنایات و غرامات ناشیه از خساراتی را که بزندگان و اموال مردم وارد ساخته اند بر عهده گیرند، قتل عام اهالی باید فوریت قطع گردد، جنک تجاوزکارانه در ویتنام جنوبی فوراً خاتمه یابد، تمام نیروهای امریکائی و دست نشاندهگان از ویت نام جنوبی خارج شوند، حملات هوائی علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام بدون هیچگونه قید و شرطی کاملاً قطع گردد. و امر حل و فصل امور داخلی ویتنام جنوبی را با اهالی خود این ناحیه واگذارند.

فدراسیون سندیکائی ویت نام از تمام

نامه کمیته مرکزی حزب

سوسیالیست کارگری مجارستان

بمناسبت تشکیل نهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام تهنیتی برای آن کنگره فرستاده بود و در آن ضمن ابراز همبستگی اترانسویالیستی و تصریح وجود پیوند های برادرانه میان دو حزب موفقیت کامل کار کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان برادر را خواستار شده بود. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در پاسخ پیام ما نامه زیر را ارسال داشته است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز! اجازه بدهید تشکرات گرم و برادرانه خود را بمناسبت پیامی که به نهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان ارسال داشته اید ابراز داریم. همبستگی برادرانه ای که پیام شما از آن اشباع است پیوند های میان دو حزب ما را بیش از پیش تحکیم میکند و در مبارزه برای ساختمان کامل سوسیالیسم و تقویت جنبش جهانی کمونیستی بما نیرو میبخشد.

رفقای عزیز! خواهشمندیم درود های برادرانه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

کادرها، کارگران و کارمندان خواستار است ستم و اهانتی را که بملت ویت نام روا میشود از یاد نبرند بکوشش خود در کار بیافزایند و امر حمایت از تولید را کاملاً به تأمین کنند، مبارزه را تا پیروزی ادامه دهند و اتحاد خود را با اهالی «سون تین» و «بین سون» و سراسر کشور تأمین نمایند. برای بازداشتن دستان خونین راهزنان متجاوز امریکائی و مزدوران «پاک یونگ هی» و دیگر چاکران ایالات متحده امریکا عزم خود را جزم کنیم! برای شکست امپریالیستهای متجاوز امریکائی و بمنظور رهایی جنوب و دفاع از شمال و اتحاد سراسر کشور مصممانه عمل نماییم!

امپریالیستهای امریکائی بدون تردید شکست خواهند خورد.

پیروزی از آن مردم ویت نام است.

هائوی ۵ ژانویه ۱۹۶۷

بقیه از صفحه ۱

درباره انتخابات و مبارزه انتخاباتی

فتنه انگیزی بنام «انقلاب فرهنگی»

با تمام قوا از ورود نمایندگان واقعی مردم ولو بتعداد کم به مجلس جلوگیری کنند. رضا شاه با تصویب اساسی نمایندگان آینده هر مجلس شهریانی دستور اجرای بی سر و صدای انتخابات را میداد و ادعای هم مبنی بر آزادی انتخابات نمیکرد شهریانی هم کار را بی-سروصدا بانجام میرساند و مردم هم اصلاً نمیدانستند که انتخابات کسی آمد و کسی رفت! اما فرزند او که شاهی، دموکرات، و انقلابی است با در نظر گرفتن شرایط داخلی و خارجی امروز میخواهد در همانحال که نمایندگان را مانند پدرش خود تعیین میکند با انتخابات صورتی دموکراتیک و قانونی و مترقیانه بدهد!

در این هنگام اتوبوسهای حامل زنان و کودکان به فرودگاه رسیدند. فرهنگیان، نخست بدنه اتوبوسها را با شعارهای ضد شوروی رنگ کردند و سپس بیکی از اتوبوسها ریختند و تهدید کنان به تفتیش زنان و کودکان پرداختند.

دیپلماتهای کشور های سوسیالیستی برای دفاع از زنان و کودکان دستها را بهم حلقه کردند و کریهتور دفاعی تشکیل دادند تا آنها از آن بگذرند. ولی کارکنان فرودگاه عمداً تشریفات را طولانی میکردند و زنان و کودکان را مجبور میساختند در میان جمعیت عنان گسیخته از یک طرف فرودگاه بطرف دیگر بروند. هنگام عبور آنان افراد «گارد سرخ» مشتعلی گرده کرده تحویل اطفال و زنان میدادند و نمره زنان بصورت آنها تفت میدادند و این وحشیگریها را با ضربات لگد تکمیل میکردند. در این جریان یکی از افراد شوروی سخت مضروب شد.

روز دیگر محرکین «فرهنگی» اعمال خود را از سر گرفتند. نخست جلوی در ورودی فرودگاه صف کشیدند و وقتی زنان و کودکان از اتوبوسها خارج شدند دسته بزرگی از افراد «گارد سرخ» به دیپلماتهای محافظ زنان و کودکان حمله ور شدند و با حالتی چون آمیز لباس را بر تن افراد پاره میکردند و با آنها لگد میزدند. وقتی زنان و کودکان از پلکان

پنجاه دموکراسی است پرهیز دارد. در فرهنگ شاه آزادی انتخاباتی که مستلزم آزادی احزاب، آزادی اجتماعات، آزادی تبلیغات و آزادی جرأت است وجود ندارد. شاه بخوبی میداند که محور اصلی دموکراسی کجاست و چون اصلاً به آزادی معتقد نیست و از آن بیم دارد فقط وقفه برای گول زدن مردم ایران و جهان بعنوان ضرورت زمام، پرچم اصلاحاتی را که تنها صوری هستند و لطمه‌های بقدرت مطلقه او نمیزنند مانند علم یزید بدست میگردد و در کتاب خود سخن سرائی میکند. شاه براساس این اصلاحات مجلس گذشته را نماینده کارگر و کشاورز میدانند در حالیکه اکثر آنها یا از مأمورین سازمان امنیت و نوکران شخصی او هستند و یا از همان مالکان و وابستگان بمنافع خارجی. واقعا باید گفت استعداد شاه در بیان دروغ و ریاضی کاری و عوامفریبی بعد نبوغ رسیده است.

ما معتقدیم که اصلاح در قانون انتخابات ضرور است نکات ذیل انجام گیرد:

- ۱ - تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات و آزادی استفاده دمکراتیک از تمام وسائل تبلیغاتی از قبیل رادیو و تلویزیون و غیره.
- ۲ - آزادی سندیکائی و صنفی و سازمانهای توده ای در شهرها و دهات و کارخانه‌ها و دانشگاهها.
- ۳ - تأمین نظارت گروههای انتخاباتی و کنترل مردم بر جریان انتخابات.
- ۴ - دادن حق شرکت در رأی بکلیه افراد کشور از دشوری و لشکری چه در داخل و چه در خارج کشور.
- ۵ - تقسیم کرسیهای نمایندگی بنسبت آراء احزاب و جمعیت‌هایی که در انتخابات شرکت میکنند. بدینوسیله است که دادن کارت انتخاباتی و انجام سریع انتخابات در شرایطی که بجای دخالت دولت و قوه مجریه مردم خود دخالت داشته باشند بشرطی که اصول پنجگانه فوق مراعات شود در حسن جریان کار تأثیر مثبت دارد.

بقیه در صفحه ۵

هواپما بالا میرفتند آنها را هل میدادند و به پایین میانداختند. یکی از دیپلماتهای شوروی را گرفتند و با رفتاری اهانته آمیز او را جلو عکس مائوتسه دون قرار دادند. همین رفتار را هم با یکی از کارکنان سفارت جمهوری دموکراتیک آلمان کردند. مشایعین زنان و کودکان شوروی فقط در ساعت های آخر شب توانستند به سفارت مراجعت کنند. در این ماجری سفیر فرانسه هم بدست مهاجمین نقش زمین شد و کاردار سفارت انگلستان نیز از آسیب آنان مصون نماند.

رفتار «انقلابیون» گارد سرخ با کسانی که به خلق ویتنام کمک میکنند

رفتار عناصر «گارد سرخ» با گروهی از کارشناسان شوروی نیز که از مأموریت به ویتنام باز میگشتند شمشوز آور بود هنگامیکه این کارشناسان باتفاق کارکنان سفارت و وابسته نظامی اتحاد شوروی با اتوبوس میرفتند. فرهنگیان، باتوبوس آنها حمله ور شدند و آنها را تفت باران کردند و خیر چسبناک بصورتشان رتقبات نمودند. صدها «عصیانگر» اتوبوس را محاصره کردند، باد چرخها را خالی کردند. عملیات «فرهنگی»، تفت باران و غریبه جوئی و یرتاب خیر چسبناک چند ساعت بطول انجامید. کارشناسان شوروی که «گناهشان» کمک به مبارزه خلق قهرمان ویتنام علیه تجاوز آمریکا بود نه تنها در پکن بلکه هنگام عبور از سراسر خاک چین بهمین طریق مورد «استقبال» فرهنگیان «گارد سرخ» قرار گرفتند. دیپلماتهای شوروی در تمام این دوران بر خطر بتصدیق همگان خونسردی و پایداری قابل تحسینی از خود نشان دادند و بدینسان نقش گروه مائو-لین بیانو را که میخواستند دولت شوروی را به قطع روابط سیاسی با چین وادار سازند قمیم گذاشتند. اینها فقط چند نمونه از فجایع بانیمان «انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری» است. نکته جالب توجه اینستکه در جریان این عملیات روزنامه ها و رادیوهای چین تقبیح تجاوز آمریکا به ویتنام و پشتیبانی از بیگار خلق قهرمان ویتنام را در مقالات و برنانه های خود کنار گذاشتند و تمام هم خود را به تشدید هیستری ضد شوروی مصروف داشتند.

در پس پرده هیستری ضد شوروی

البته بر کسی پوشیده نیست که در پس پرده این هیستری ضد شوروی مبارزه بر سر قدرت نهفته است. کار این مبارزه تا کنون به بر کناری و حبس و زجر شکنجه و «خودکشی» غده زبانی از هجران برجسته انقلاب چین انجامیده است. علیرغم بیادگری های واحد های «گارد سرخ» و «عصیانگران» طبقه کارگر و توده های بزرگ مردم چین از مقاومت علیه گروه بندی مائو-لین بیانو باز نمایستند. بدستور مائوتسه دون بسیاری از سازمانهای حزبی منحل شده و با اقدامات جدیدی که انجام میگردد تمام حزب کمونیست چین را خطر انحلال تهدید میکند. این ریشخند تاریخ است که کسانی که زمانی خود را چنان انقلابیون دو آتشه جلوه گر میساختند که حتی با طرح حزب عموم خلق سخت مخالفت میکردند اکنون بکمال عناصر فریب پرولتری و گروههای آشوبگر به انحلال حزب طبقه کارگر چین مبادرت میورزند. مارکسیست-لنینیست های تمام جهان از جریان اسف انگیزی که در چین میگذرد شدت نگرانند. اعمال ماجراجویانه گروه مائو-لین بیانو علاوه بر آنکه نام نیک خلق کبیر چین را لکه دار میسازد بسود امپریالیسم و ارتجاع جهانی نیز تمام میشود. مارکسیست-لنینیستها به خلق چین و بمبارزات انقلابی پر افتخار آن احترام عمیق میگذارند و از صمیم قلب آرزومندند در مبارزه کنونی سر انجام مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بر روحیات دگماتیک ماجراجوئی و بر تمایلات شوینیستی فائق آید. پ. پیگار

شورای ملی است چیده میشود و بار دیگر اصل دوم قانون اساسی که در آن مجلس شورایی بعنوان نماینده قاطبه اهالی و مظفر مشارکت آنها در امور مملکت و سیاسی وطن خود تصریح گردیده، پارلمان میگردد. استانداران فرمانداران و بخشداران و مأمورین ثبت اسناد و احوال یعنی کارمندان محکوم بحکم دولت مشغول ساختن انجمن های دلخواه انتخاباتی و صدور «کارت الکتروال» و فراهم آوردن مقدمات معترض برای تأمین انتخاب نامزد های شاه فرودمه میگردد و کارگردانان احزاب «دستوری مردم و ایران نوین» شاید هم حزب سومی که نشانه «آزادی احزاب» باشد در اجرای مویات «دموکراتیک» شاه به «مبارزه انتخاباتی» میباززند. هدف آنها از یکطرف پارلمان کردن ابتدائی ترین حقوق مردم و از طرف دیگر رنگوباب دموکراسی دادن بسپاه کاری شاه و حکومت او و گمراه کردن افکار عمومی جهالت است. طبق سر شماری تازه جمعیت ایران را بیش از ۲۵ میلیون نفر اعلام کرده اند و این بار بر اساس هر صد هزار نفر یک نماینده ۲۶۰ نفر در مجلس خواهند فرستاد. جالب توجه است ده سربازان و ژاندارمها و پاسانها را که در سر شماری بحساب آمده اند برای تعیین تعداد و کلا هم بحساب می آورند ولی هنگام رأی دادن دستوری آنها را از دادن رأی محروم میکنند. قبلاً انتخابات دوره بیست و یکم مدتها بعذر اینکه میخواهند قانون انتخاباتی را تغییر دهند و قانون نو و دموکراتیکی بیاورند، دوره قنوت را بر خلاف نص صریح قانون اساسی که میگردد «مشروطیت جزء و کلا تعطیل بردار نیست» بدرزا کشاندند و پس از چندی گفتند که در غیاب مجلس نمیتوان قانون را تغییر داد. سپس گفتگوی تنظیم آئین نامه جدید بمیان آمد.

آئین نامه جدید انتخابات

این آئین نامه نو که شامل ۳۲ ماده است محضراً مربوط به تهیه دفاتر و بخش کارتهای انتخاباتی (الکتروال) و برگهای مخصوص نوشتن رأی است. بجای تعریف انتخاباتی که سابقاً هنگام دادن رأی بر اساس شناسنامه صادر میشد کارت انتخاباتی و ورقه مخصوص رأی را قبل از انتخابات صادر و بخش میکنند. دستگامی که این کار را اداره میکند عبارت از کمیسیونهائی است مرکب از نماینده ثبت احوال و دو نفر معتمد با سواد بانخاب فرماندار و بخشدار که نام واجدین شرایط را در دفاتر ثبت میکنند و بانها کارت انتخاباتی و ورقه مخصوص رأی میدهند. تمام اسناد و اوراق مربوطه در اختیار اداره ثبت احوال هر محل است یعنی در اختیار اداره ای است که عندالزوم شناسنامه های تقلبی را در اختیار وکلای بی موکل برای سوء استفاده در انتخابات میگذاشت. میتوان گفت که در یک سیستم انتخاباتی دموکراتیک استفاده از کارت انتخاباتی بتسریع و نظم کار کمک میکند ولی در کشور ما که کار از پایه و بنیان برتقلب است چه مائو دارد که بجای صدور هزاران شناسنامه تقلبی کارت انتخاباتی تقلبی صادر و از آنها سوء استفاده کنند. در اطراف این آئین نامه اقتدر هیاهو و جنجال کردند که گروهی دیگر مشکل انتخابات حل شده و با این کارت معجزه آسا جلو هرگونه تقلبی چه تقلب شاه در تعیین نمایندگان و چه تعویض صندوقها و دخالت مأموران سازمان امنیت گرفته خواهد شد و نمایندگان واقعی مردم خود بخود بمجلس خواهند رفت. در اینک قانون انتخاباتی مصوب سال ۱۳۲۹ قمری ناقص است تردیدی نیست و باید آنرا اصلاح کرد. اما این اصلاحات که باید در جهت تأمین کامل آزادی انتخابات، تضمین صحت جریان انتخابات و جلوگیری از نفوذ قوه مجریه و انواع تقلبات بعمل آید، هیچگاه مورد توجه شاه و حکومت های مخلوق او نبوده است. آنها همیشه بیک نکته توجه داشته اند و آن اینستکه

